



### جلسه ۳ مباحث قلب استاد محمد شجاعی، ۸۸/۰۸/۰۹

#### ۱. جایگاه دل در وجود انسان

در بحث انسان شناسی یک قاعده به شما دادیم که این روایت به همین قاعده برمی گردد: «الظَاهِرُ عِنَاوُنُ الْبَاطِنِ [صدوق، ۱۳۶۱، ج ۲: ح ۴۰] = ظاهر نشان دهنده باطن است.» عنوان یعنی نماینده و آن چیزی که می نماید یا نشان دهنده است. [روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده]

حالا می‌خواهیم راجع به جایگاه قلب صحبت کنیم. نبی اکرم ﷺ فرمودند: «إِذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ جَسَدُهُ، وَإِذَا خَبُثَ الْقَلْبُ خَبُثَ الْجَسَدُ [کنز العمال : ۱۲۲۲] = هر گاه دل انسان پاک شود، بدنش نیز پاک گردد و هر گاه دلش ناپاک شود، بدنش نیز ناپاک گردد. (اعمال و رفتارهای ناپسندی از او سرزند.»

در روایت بعدی فرمودند: «الْقَلْبُ مَلِكٌ وَ لَهُ جُنُودٌ فَإِذَا صَلَحَ الْمَلِكُ صَلَحَتِ جُنُودُهُ وَ إِذَا فَسَدَ الْمَلِكُ فَسَدَتِ جُنُودُهُ [نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، ص: ۶۰۳] = قلب پادشاه است و اعضای بدن سربازان آن و هر گاه پادشاه شایسته باشد، سپاهیانش شایسته باشند. اگر ملک فاسد شد، سربازان نیز فاسد گردند.» این دو روایت به عنوان فرمول اصلی درس ما هستند.

این سه روایت را کنار هم بگذارید. یک فرمول بسیار مهم به دست می آید که هم در خودشناسی خیلی به ما کمک می کند و هم در شناختن دیگران. وقتی که به این سه روایت توجه می کنیم، خیلی چیزها دستمان می آید. انسان یک قلب دارد که همان دل اوست و از آن خروجی هایی ظاهر می شود که نشان می دهد وضعیت قلبی او چگونه است.



#### ۲. ژن جنین را باید اصلاح نمود

ژن جنین بوسیله تلاشی که والدین در اصلاح ژن خودشان می کنند، اصلاح می شود. این ژن همان است که به بچه منتقل می شود.

مثلا بچه ای ۳، ۴ یا ۶ ماهه است. می گویند به صدای قرآن حساسیت خاص نشان می دهد. مثلا دارد گریه می کند، اما وقتی از تلویزیون صدای قرائت قرآن پخش می شود،



یا دعا و ذکر را می شنود، یک دفعه ساکت می شود و در عمق فرو می رود. یا یک بچه دیگر می بینید که عکس عملهای منفی دارد. چیزهایی از او تراوش می کند که شایسته نیست.

این بچه ها در زمان قبل از انعقاد نطفه ، داشتند شرائط دلی را جذب می کردند. چون جنین در آن زمان روح می گیرد. در ژنهای پدر و مادر، این خصوصیات دل، در دل جنین اثر دارد. یعنی دل پدر و مادر ترکیب می شود. برای همین ما برنامه مراقبت های قبل از بارداری می دهیم که پدر و مادر آن ۵ ژن «سلامت، زیبایی، عقل، هوش، دین و اخلاق» را تقویت کنند. چون اینها دل ساز هستند. اینها را تقریباً ۵۵% مادر ۴۵% پدر اشتراک می گذارند و نهاد بچه را پایه گذاری می کنند.



### ۳. هر کس براساس شاکله ای که برای روحش ساخته عمل می کند

روح وقتی که تعلق می گیرد به یک چیز، بطور عریان و خالی تعلق نمی گیرد. این روح به زمینه و قالبی که تو قبلاً ساخته ای تعلق می گیرد و شکل پیدا می کند. مثلاً وقتی که شما در آن قالب، «اضطراب، گناه، آلودگی، نگاه های حرام، شنیدنی های حرام، گفتنی های حرام، لقمه شبیه ناک و حرام» می ریزی، باید بدانی که همه اینها دارد آن را شکل می دهد و بعدها هر عملی انجام دهد، براساس همین شکل گرفتن ها است. این همان شریفه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ [آیه ۸۴ سوره اسراء] = بگو هرکس براساس شاکله ای که برآن اساس شکل گرفته، عمل می کند».

البته محیط هم نقش دارد و نقش محیط از وراثت قوی تر است. اگر با یک وضعیت اینطوری در یک محیط خوب قرار بگیری، محیط می تواند از تقویت زمینه های حرام و گناهی که وجود دارد، مانع شود. یعنی این زمینه ها هست، ولی ظهور نمی کند و فعال نمی شود.

محیط، لقمه، ارتباطات و رفتارهای پدر و مادر، همه اینها همینطور دارند در شاکله بچه می ریزند و او هم دریافت می کند و به خودش شکل می دهد. مشکل ما این است که وقتی هم که ظهور پیدا می کند، فکر نمی کنیم که خودمان این بلا را سر این بچه آورده ایم. باید بدانی که خودت در او ریختی و حالا همان خروجیها را داری تحویل می گیری. در مورد خودمان هم همینطور است. یعنی وقتی می بینیم خروجیهای مان «حسادت، تکبر، مسخره کردن دیگران، لوس بازی، تحقیر دیگران، اضطراب، خواب بد، غصه



و...است» باید بدانیم که خودمان اینها را در وجودمان ریخته ایم. خوبیها هم وقتی از یک نفر سر می زند، باز یک باطنی دارد که با آن خوبیها تناسب دارد.



#### ۴. هر خروجی متناسب با ورودی خودش است

شدت و ضعف ظهورات خروجی های ما، به شدت و ضعف ورودی هایمان بستگی دارد. یعنی به هر شدتی که ورودی داشته باشیم، به همان شدت خروجی خواهیم داشت و بالعکس. این هم در مورد ورودی های خوب صادق است و هم در مورد ورودی های بد.

مثلاً شما موقعی که غذایی می خورید و پوست دستتان یک مقدار قرمز می شود یا می خارد و پمادی می زنید یا خنکی می خورید و خوب می شود. اما گاهی می بینید، این قرمزی خیلی در بدن ظهور می کند و تمام دست را می گیرد. این نشان دهنده این است که آن چیزی که در باطن ریخته ای، خیلی قوی بوده که به این صورت ظهور کرده. برای رفع آن باید علت و منشا بروز آن را رفع کنیم. وگرنه هر چه که ظاهر می شود، این ظاهر و معلول است. ما باید ببینیم آن وضعیتی که در درون اتفاق افتاده، چه بوده که این خروجی را داده. اگر خوب است که تقویتش می کنیم. در دیگران هم همینطور است. اگر یک خروجی از یک نفر دیدیم، نباید با او بخاطر وجود آن خروجی درگیر شویم. بلکه این خروجی، ظهور یک باطن است. برای مقابله با آن ظهور، باید با علت بروز و ایجاد آن ظهورات مبارزه کرد. اگر به صورت ریشه ای انسان بخواهد با ظهورات نامناسب مبارزه کند، باید برای باطن سرمایه گذاری کند.



#### ۵. برای اصلاح خروجی های، بد، باید روی دل کار کرد

خیلی ها نامه می نویسند و بخاطر ناتوانی در کنترل چشم از نامحرم نگران هستند. یا بعضی ها در کنترل خیال ناتوانند. اگر کسی تجاوز چشمی دارد و به نامحرم بطور خیره نگاه می کند، مشکل از چشم او نیست. چون چشم فقط یک ابزار است. چشم دست خود ماست و هرچه به او بگوییم، همان کار را می کند. یعنی چشم فرمان را از دل می گیرد. پس باید روی دل کار کرد. قلب که پاک شد، نگاه هم پاک می شود.

نگاه خیره و زل زدن به دیگران در هر جایی، تجاوز چشمی است. مثلاً برای یک نفر پیام می آید، کسی کتاب می خواند یا تماس تلفنی دارد. ما حق نداریم آنها را کنترل کنیم. یا

زن و شوهر گاهی تلفن همدیگر را کنترل می کنند. حتی بچه ها را هم ما تا زمانی که احتمال مهم عقلانی آلودگی نمی دهیم، حق نداریم کنترل کنیم و کیف و جیش را بگردیم. این تجاوز به حریم بچه است. امنیت بچه را به هم می زند و خطرناک است. ولی یک موقع من راجع به آلودگی فرزندم احتمال عقلایی می دهم. در اینجا باید زود واری می کنم. همانطور که اگر بچه من یک علامت از آنفلونزا داشته باشد، حساس می شوم که بینم بچه از بین نرود، در مسائل روحانی و معنوی و اخلاقی هم یک موقع من چیزهای خاصی دارم از بچه می بینم که این خروجیها دارد به من علامت می دهد. اینجا من باید یک مقدار فعال شوم و بدون اینکه خودش بفهمد، یک واری می انجام دهم. بعد می بینم نه آنطوری که من فکر می کردم نبوده و مسئله تمام می شود. ولی گاهی من واری می کنم و می بینم علامت های خطرناکی هست. اینجا هشدار است و تجاوز به حریم بچه به حساب نمی آید. اما این که بی دلیل، یک نفر همینطوری خوشش بیاید که تلفن زنش یا شوهرش را دوستش را کنترل کند، این درست نیست. قلب این آدم است که دارد این کار نادرست را انجام می دهد. یعنی قلبش متجاوز است.

تجاوز گوشی آن است که انسان با گوش انجام می دهد. این مثل فضولی کردن در کار دیگران است. طرف دارد با تلفن صحبت می کند و این خودش را می زند به آن راه که مثلاً اصلاً من نمی شنوم. ولی کاملاً دارد همه حرفهای او را کنترل می کند. گاهی آنقدر این حس تجاوزگری زیاد است که واقعاً با فضولی تمام می گوید: این چه کسی بود؟ چی می گفت؟ چه کار داشت؟ این آدم نمی فهمد که اگر لازم باشد، خودش می گوید. شما حق نداری از کسی سؤال بکنی. نه از همسرت و نه از فرزندت و نه از دوستت و نه از هیچ کس دیگر. روح تجاوز کاری در ما زیاد است. دل اینجور آدمها تجاوزکار و ظالم است که به حریمهای دیگران احترام نمی گذارند.



## ۶. تجاوزاتی که مربوط به شأن انسان است

همه مراحل نفس مثل حس، خیال، وهم، عقل و فوق عقل همه ناپاکی و تهاجم یا تجاوز دارند.

**بعضی ها ناپاکی حسی دارند** در ناپاکی های حسی، شخص در ظاهر مشکل دارد. یعنی ظاهرش خروجی هایی دارد که باید کنترل کنیم. مثلاً بچه ای ناخنش را می جود. شما فلفل به دستش بزنید، یا هر چیز دیگری بزنید که ناخنش را نخورد، اشتباه است. این خروجی، نشانه ای از باطن دارد. باطن او وادارش کرده که ناخن جوی کند.

**بعضی ها تهاجم قیافه ای دارند** یعنی وقتی نگاهش می کنی، مدام قیافه اش ترسناک و اخمو و بداخلاق است. این خروجی، خروجی بدنی است. یعنی یک وضعیت ناپاکی بدنی است که در قیافه انسان ظاهر می شود. یا زمانی که مردی همسرش را می زند و باصطلاح، دست بزن دارد. این هم ناشی از ناپاکی بدنی است. شما وقتی جلوی خروجی را می گیری، بدون این که علت را از باطن رفع کنی، همین خروجی، به صورت دیگری بروز خواهد کرد. مثلاً لکنت زبان پیدا می کند یا ریزش مو یا مشکل پوستی و ... می گیرد. پس وقتی جلوی آن خروجی ظاهری را گرفتید، از یک جای دیگر به یک شکل خیلی بدتر شاید سر بزند.

**بعضی ها خیالات شان خطرناک است** خوابهای بد می بینند و فکرهای بد می کنند. بعضیها وهم هایشان ناپاک است. مثلاً دوست دارند همیشه محبوب باشند. به شهرت خیلی علاقه دارند. دوست دارند همیشه دیگران به آنها توجه کنند. اینها خروجی های وهمی است. دوست داشتن مقام و ریاست و رأی آوردن، از جمله مصداق های آن است. یا کسی لذت می برد از اینکه دستور بدهد. بعضی افراد، بیماریهای روانی شان این گونه است. یا زنی که زن سالاری در خانه دارد. یا مردی که مردسالاری می کند. اما آدمی که متعادل است، می داند زن سالاری یا مردسالاری هر دو رفتار طاغوتی و هر دو تجاوز است.

**بعضی ها تجاوزات عقلی دارند** یعنی شخص عقلش ناپاک دارد. فرض بفرمایید بمب شیمیایی درست می کند یا قرص اکس درست می کند و مردم را بیچاره می کند. این با بخش هوش دارد کار می کند. این عقل در بخش انسان شناسی به معنای «عَبْدٌ بِهِ الرَّحْمَنُ [الكافي، ثقة الإسلام کلینی، ج ۱، ص ۱۱] = عقل آن است که با آن خدا عبادت شود»، نیست.

موجودی که از عقلش استفاده می کند و داروهای بد و مضر اختراع می کند، این از عقلش تجاوز کرده و از اطلاعاتش سوء استفاده می کند. اینها همه مال قلب ناپاک است.

**بعضی ها تجاوز در بخش فوق عقلانی دارند** ما کشش های بینهایت داریم و اگر این کشش ها جهت الهی پیدا کرد و سوی معشوق اصلیش که الله است رفت، طبق قاعده «لا اله الا الله»، می فهمد که هیچ دلبری جز خدا شایسته دلش نیست. اما اگر دلش را متوجه غیر از الله کرد و از حدود الهی عبور کرد، تجاوز کرده است.

چنین کسی مفت فروشی کرده و دلش آلوده می شود. ما در بخش فوق عقلانی، بینهایت طلب هستیم. وقتی هم که بینهایت را طلب می کنی، باید بینهایت را به تو بدهند. اگر بینهایت را ندهند، جنس قلبی داده اند. شما وقتی بینهایت را می خواهی، جز با بینهایت

ارضا نمی شوی. اما وقتی که دلت را به غیر بینهایت پیوند می دهی، از نظر شخصیتی انحراف پیدا کرده ای. بخش فوق عقلانی تو، دارد دنبال معشوق دیگری می گردد.

ما ممکن است با چیزهایی غیر از الله بتوانیم مدتی خودمان را سر پا نگه داریم. مثلاً با مقام، شهرت، ریاست، محبوبیت و با لذتهای دیگر؛ اما چون از اول اینها قلبی بوده و دل با دلبر هماهنگ نبوده، کاملاً بیماریهای خودش را ظهور خواهد داد و بعد از یک مدت، آدم دچار سردرگمی، انحراف، غصه، اضطراب، پوچی و ضعف شخصیت می شود. پس باید به این قاعده توجه کنی که وقتی تو بخش نامحدود طلب داری، فقط با همان قدرت نامحدود ارضا می شود.

ما فقط یک معشوق حقیقی داریم و فقط او می تواند ما را ارضا و آرام کند. بخش مهم قلب اینجاست. این چند مرحله «حس، خیال، وهم و عقل» مقدمات است برای بخش فوق عقلانی و کشش های فوق عقلانی. پس در کشش های فوق عقلانی است که قیمتتها و عیار یک آدم معلوم می شود. یعنی مشخص می شود که این شخص چقدر کشش های فوق عقلانی دارد و چقدر عاشق خداست. پس شما اگر کمال بینهایت را نخواهی، مریض هستی.

بنابراین، وقتی می گوئیم «خداخواهی»، باید بدانیم که این به آن معنی نیست که کسی مثلاً نماز می خواند، روزه می گیرد و حج می رود. این رفتارها از آدمها سر می زند، اما خیلی وقتها می بینی اینها از روی یک عادت است. اما باید بدانیم که «دلدادگی، رفاقت، صمیمت و عاشق بودن» بحث دیگری است. نماز، روزه، حج و عبادتها فقط ابزار و وسایلی هستند برای این که بخش فوق عقل انسان، با معشوق خودش آشتی بکند. خیلی ها هستند که خیلی کارهای عبادی هم انجام می دهند، اما هیچ صلحی بین آنها و خدا ایجاد نمی شود. بین اینها و خدا هیچ صلحی، عشقی، رفاقت و صمیمتی وجود ندارد. یعنی اینها دائماً به خدا اعتراض دارند که خدایا چرا اینطور کردی؟ چرا آنطور کردی؟ اینها اصلاً راضی به قضای الهی نیستند.



### ۷. برای درمان خروجی های متجاوزانه چه باید کرد؟

چشم متجاوز فقط این نیست که بگوئیم فقط به نامحرم نگاه نکن. آدم می تواند به نامحرم نگاه کند، اما این نگاه متجاوزانه نباشد. حالا اگر نگاه ما متجاوزانه بود، باید چه کار کنیم؟ راه حلش این است که روی دل کار کنیم. اگر دل اصلاح شود، چشم هم درست می شود. یعنی هم باید نگاه نکنم و هم روی دل کار کنیم. ما باید هم با ظاهر مبارزه



کنیم و هم با باطن. چون تا ما معطل شویم و روی قلب کار کنیم، این ظاهر تمام قلب را از بین می برد. پس جاهایی که ظاهر دارد، خودش را روی باطن سرریز می کند باید با ظاهر و نگاه متجاوز هم مبارزه کنیم. ما باید همزمان با کنترل خروجی ها، روی ورودی ها هم کنترل داشته باشیم، تا آنها باطن سازی نکنند. آنها مثل سرطان می مانند. یعنی همزمان که آن سلولهای سرطانی را از بین می بریم، باید خروجیها را هم کنترل کنیم.



### ۸. قلب سالم چیست؟

اگر الان خروجی یک آدم، عشق به خدا نیست، معلوم می شود که قلبش سالم نیست. پس اول باید قلب را اصلاح کنیم. زیرا گفتیم در حرکت از دنیا به ابدیت، فقط قلب سالم نیاز است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ، وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ [الكافی: ۵/۱۶/۲] = دل سالم، دلی است که پروردگارش را دیدار کند، در حالی که احدی جز خدا را در خود نداشته باشد.» قلب سلیم فقط خدا را می خواهد.

عشق خالص و بدون شرط، مهم است. مثل دختر و پسری که عاشق هم می شوند، می بینی هوا سرد است و همه جا برف می بارد، اما اینها دارند راه می روند و با هم حرف می زنند و اصلاً متوجه سرما نیستند.

حضرت موسی (علیه السلام) ۴۰ شبی که در کوه طور بود، دست به آب و غذایش نزد. برای این که بخش حسی انسان، موقعی که با خدا رو در رو است، اصلاً فعال نیست. کلیم الله شوخی نیست. یک کسی با صدای خدا حرف بشنود خیلی مستی برای انسان می آورد.

عشق سلیم، یعنی من خدا را مشروط نخواهم. امام زمان و امام رضا علیهما السلام را مشروط نخواهم. بروم زیارت بگویم یا امام رضا علیه السلام من این چیزها را می خواهم و اگر ندهی، با تو قهر می کنم. حدیثی هست که حضرت امام زمان علیه السلام به یکی از اولیاء خدا فرمود: شیعیان من، حتی به اندازه آب خوردن هم من را نمی خواهند. عرض کرد: آقا این همه آدم هستند که شما را دوست دارند و بخاطر شما به جمکران آمده اند. فرمود اینها همه بخاطر مشکلات خودشان آمده اند. همه می خواهند من مشکلاتشان را حل کنم. برای همین است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف الان بیش از ۱۱۸۰ سال است که غائب هستند. زیرا ما اصلاً آقا را جزء پدر حقیقی خودمان نمی دانیم که بخواهیم کاری برایش بکنیم. ایشان اصلاً معشوق و محبوب ما نیست. ما یک رابطه انگلی با معصومین داریم همانطور که یک رابطه انگلی با خدا داریم.



### ۹. قیمت یک انسان، به نوع هوس های اوست

قیمت آدم ها به هوس هایشان است. «الظَاهِرُ عِنَاوُنُ الْبَاطِنِ» یعنی هر نوع هوسی اعم از «هوس حسی، خیالی، وهمی، عقلی و فوق عقلی» بکنی، در هر کدام، قیمت های تو را نشان می دهد.

پس هوس ها و خواب های ما از خروجی هایی هستند که می توانیم خودمان را با آنها بشناسیم. به هوسهایت که نگاه بکنی، معلوم می شود قیمتت چقدر است. هوسهایت، خروجی است که دلت آنها را تنظیم می کند.

قیمت کسانی بالا است که هوس های فوق عقلانی دارند. هوسهای فوق عقلانی مثل این که الان هوس کنی فقط باید نماز بخوانی و با کمتر از نماز و حرف زدن با خدا ارضاء نمی شوی. زمانی هوس می کنی، خدا با تو حرف بزند، قرآن می خوانی. دوست داری ذکر بگویی، دوست داری خلوت کنی.



### ۱۰. اگر هوس معنوی نکنی، گرفتار هوس های دنیایی می شوی

یک خانم معلمی سر کلاس من می آمد که خیلی سال بود مشهد نرفته بود. تعریف می کرد که همیشه به خودم می گفتم که چقدر بد است این همه سال من مشهد نرفته ام. حتما امام رضا علیه السلام نطلبیده. در حالی که طلبیدن حضرت به این است که ما هوس گفتگو با ایشان را داشته باشیم. نه این که طلبیدن حضرت هم که آمد، به آن پشت کنیم.

این خانم گفت: آموزش و پرورش یک مسابقه فرهنگی گذاشت که من هم در آن شرکت کردم و برنده شدم و جایزه اش هم بلیت رفت و برگشت به مشهد بود. ولی وقت نگذاشتم و نرفتم. سال بعد هم همین اتفاق افتاد و دوباره بلیت به اسم من درآمد. باز هم نرفتم. گفت سال سوم، برادرم که بلغارستان بود، نامه نوشت که من برایتان ویزا جور کرده ام بیایید بلغارستان و ترکیه را بگردید. گفت ما با سر رفتیم. همین که رسیدیم بلغارستان، شب اول امام رضا علیه السلام را خواب دیدم که حضرت گفت: اینجا دورتر است یا مشهد؟ یعنی تو اصلاً طالب ما نیستی. آدم اگر عاشق باشد اصلاً بهانه نمی آورد.





## ۱۱. امام رضا علیه السلام وقتی که بطلبد، هواپیما می فرستد تا یک کبوتر به حرمش برود

طلبیدن امام رضا علیه السلام طوری است که برای یک کبوتر هواپیمای اختصاصی می فرستد. یعنی یک کبوتر هم که آقا را بخواهد، آقا امام رضا علیه السلام برایش هواپیما می فرستد تا به زیارتش برود. چون پدر حقیقی همه ما اوست، پدر و مادر هم عواطف شان بینهایت زیاد است.

خلبانی در خاطراتش نوشته بود: ما از ساری حرکت کردیم به مقصد مشهد. یک دفعه هوای مشهد خیلی بد شد و بطوری که می خواستیم بنشینیم. اما از برج مراقبت گفتند نمی توانید بنشینید و باید برگردید. خواستیم برگردیم ساری، گفتند هوا خراب است و فقط می توانید در تهران بنشینید. آمدیم تهران و همین که نشستیم و در هواپیما را باز کردیم، دیدیم یک کبوتر آمد داخل هواپیما. بعد بی سیم زدند که هوای مشهد خوب شده بیاید. در را بستیم و رفتیم مشهد. این کبوتر هم همینطور در هواپیما ماند و تکان نخورد. روی شانه من نشسته بود تا رسیدیم مشهد. همین که در هواپیما را باز کردیم، این کبوتر به سمت حرم پرواز کرد.



## ۱۲. دل ضعیف، هوس هایش هم ضعیف است

ممکن است دل کسی آلوده هم نباشد، اما ضعیف باشد. یعنی باز هم نوعی آلودگی محسوب می شود. دل که ضعیف است، هوسهایش هم ضعیف است. دل‌های بچگانه، هوسهای بچگانه دارند. بعضی آدمها ۶۰ سال شان است، اما در ۱۰ سالگی تثبیت شده مانده اند. این بنده خدا در این ۵۰ سال همان آدم قبلی مانده است. خانم است، آقا است، ولی می بینی که هنوز با یک لباس روحیه اش بالا و پایین می شود. با غذا، رنگ، انگشتر، تسبیح، روسری، و ... روحیه اش بالا و پایین می شود. خیلی ناراحت است که مدل تلفنش مال پنج سال پیش است و خجالت می کشد آن را از جیبش در بیاورد.



@Ziaossalehin



### ۱۳. خود را ارزیابی کنیم که دل، ما چگونه است؟

ما باید یک ارزیابی از خود داشته باشیم که من چه کسی هستم؟ نوع هوسهایم چیست؟ آیا من بیشتر آدم حسی و خیالی و وهمی هستم؟ آیا بیشتر هوسهای عقلانی دارم یا هوسهای فوق عقلانی؟ دلم برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چقدر تنگ می شود و چقدر یاد پدرم میافتم؟

بچه ای که یاد پدرش نمی افتد و پدر یا مادرش را در خانه سالمندان می گذارد و سال به سال هم به آنها فقط یک سر می زند، این حاکی از چیست؟ مثل اینهایی که به خارج از کشور می روند و اولین چیزی که روی آنها تأثیر می گذارد، این است که کاملاً بی عاطفه می شوند.

پس دقت کنیم که کاملاً باید روی دل کار کنیم. یعنی دل را شناسایی کنیم و عوارض آن را شناسایی کنیم و خروجیهایش را بشناسیم.



[به نقل از پایگاه منتظران منجی](#)

بنیاد فرهنگ تربیتی

ضیاءالصالحین

Ziaossalehin.ir



@Ziaossalehin